

کنش‌های آرای اخباریان بر دو قاعده تفسیری «ضرورت استناد به احکام عقلی و علوم تجربی قطعی» و بررسی تطبیقی آن با مناظر مفسران عقل‌گرای شیعه*

□ سید عبدالله اصفهانی**

چکیده

گرایش اخباری و حدیث‌گرایانه، رویکردی در معرفت‌دینی و دانش‌های شیعی است که نه فقط در حوزه فقه، بلکه در تفسیر، اخلاق و جز این‌ها، یکی از جریان‌های فعال، با سابقه و تأثیرگذار ارزیابی می‌شود. پرسش اساسی تحقیق حاضر که به روش توصیفی، تحلیلی، نقلی و بنیادین نگارش یافته، چگونگی کنش‌های آرای اخباریان بر دو قاعده تفسیری «ضرورت استناد تفسیر به معرفت‌های بدیهی و احکام عقلی» و «دستاورد‌های قطعی علوم تجربی» (اعم از علوم طبیعی و علوم انسانی) است؛ دستاورد مقاله عبارت است از: پذیرش حجیت ادراکات بدیهی عقلی (عقل فطری) در حوزه برون‌دینی؛ انکار احکام نظری عقلی؛ انکار حکم عقل در مبادی غیرحسی، قیاس اولویت، قیاس منصوص العله و تنقیح مناط قطعی عقلی؛ انکار ملازمه بین حکم عقل و شرع؛ ترجیح دلیل نقلی بر عقلی در موارد تعارض؛ توقیفی دانستن تفسیر آیات الاحکام؛ انکار منبعیت علوم تجربی قطعی در تفسیر قرآن، از منظر اخباریان شیعه. واژگان کلیدی: تأثیرگذاری، آرای اخباریان، حکم عقلی، علوم تجربی، تفسیر قرآن.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۵/۱۰.

** استاد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی آمل (esfahaniquran@gmail.com).

مقدمه

اندیشه اخباری به‌عنوان گرایشی از دانش‌های شیعی در حوزه‌های حدیث، اخلاق، تفسیر و مانند این‌ها یکی از جریان‌های فعال، باسابقه و تأثیرگذار شمرده می‌شود. تقسیم عالمان شیعه به اصولی و اخباری، منحصر در مباحث غیرکلامی است، هرچند قابل تفسیر به همه مسائل فرعی در حوزه‌های علوم غیرکلامی نیست (سبحانی، ۱۴۲۱: ۳۹۰).

هرچند اندیشه نخستین اخباری‌گری ظاهراً حدود پنج قرن قبل از مرحوم امین استرآبادی به شکل نهفته و پنهان وجود داشته، ولی به‌طور عمده در قالب محدثان شیعه و در تضاد با اصولیانی هم‌چون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی نبوده است، بلکه کارکردی به‌عنوان مکمل اصولیان شیعه ارایه نموده است؛ به‌طوری‌که برخی با خوش‌بینی اخباری و اصولی را فرقه واحد دانسته‌اند (عمران، ۱۳۷۵: ۳۲). ولی آنچه واقعیت دارد و مورد پذیرش غالب پژوهشگران و عالمان شیعه است، این است که مشرب اخباری‌گری در قرن‌های ده و یازده هجری و طی دوره صفویه در ایران و به‌ویژه به‌وسیله استرآبادی و شاگردان وی، شاهد تحول و ورود به مرحله‌ای جدید و با اندیشه‌ای خاص بوده است (فانز، ۱۳۹۳: ۱۴۲؛ لوسن، ۱۳۸۹: ۳). به‌طوری‌که مرحوم استرآبادی به‌عنوان احیاگر طریق اخباریان پیشین (محدثان شیعه) شمرده می‌شود (فانز، ۱۳۹۳: ۱۵۴).

استرآبادی و اخباریان پس از وی با جبهه‌گیری در برابر اصولیان انکار حجیت ظواهر کتاب و سنت پیامبر ﷺ، اعتماد به عدم حجیت عقل و عدم جواز اجتهاد و تقلید و مانند این‌ها، برهه جدیدی از اخباری‌گری را در حوزه اندیشه شیعی و در قالبی نو، جریان‌سازی نموده‌اند (همان: ۱۴۷). اختلاف دو مکتب اخباری و اصولی که به‌طور عمده در مسائل تخصصی اصول و فقه متمرکز است ریشه در درگیری‌های پُردامنه‌تر سابق میان حامیان الهیات نظری و حدیث‌گرایان مخالف استدلال در دین داشته است (لوسن، ۱۳۸۹: ۴، به نقل از ویلفرد مادلونگ). مفسران اصولی شیعه ظواهر قرآن را حجت می‌دانند و آن را به بنای عقلا مستند می‌کنند و بستر استناد به همه قرائن نقلی از قبیل آیات قرآن و قرآن عقلی و عقلایی مانند اصول عقلایی محاوره‌ای، سیاق و مانند این‌ها را فراهم می‌سازند؛ لیکن اخباریان در حجیت ظواهر مناقشه

نموده و غالباً، تفسیر قرآن را فقط در صورتی مجاز می‌دانند که به وسیله اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده باشد (رازی نجفی، ۱۴۳۰: ۶۸۸؛ حسینیان، ۱۳۸۰: ۲۰۴-۲۰۵؛ صدر، ۱۳۷۵: ۸۰-۸۱).

عالمانی هم چون محمدتقی مجلسی، شیخ حر آملی، ملا محسن فیض کاشانی، علامه محمدباقر مجلسی، سید هاشم بحرانی، عبدالعلی هویزی بحرانی، سید نعمت‌الله جزایری، شیخ یوسف بحرانی و صدها عالم دیگر به جریان فکری اخباری‌گری تعلق دارند.

اگرچه اخباری‌گری پس از قرن ۱۳ هجری و با تلاش وحید بهبهانی و شاگردانش سیر نزولی خویش را آغاز و رو به افول نهاد ولی چراغ آن هرگز خاموش نشد. به طوری که این مکتب در حوزه‌های دینی شیعه و به شکل‌های مختلف، رسوباتی از خود به جای نهاد و هنوز روحیه اخباری‌گری کم‌وبیش زنده است و حتی رگه‌های آن در برخی مجتهدان و اصولیان به چشم می‌خورد (مطهری، ۱۳۶۸: ۷۲).

از سوی دیگر «قواعد تفسیر که برخی آغاز تبیین آن را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و پیشگامان تفسیر نسبت داده‌اند (السبت، ۱۴۲۱: ۴۲/۱) از شاخه‌های علوم قرآنی، عنصر اساسی استنباط روشمند مفاهیم قرآن، ملاک انتخاب دیدگاه صحیح در اختلاف نظرهای مفسران و موجب کاهش خطاهای تفسیری محسوب می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۲۴۷/۱). مراد از «قواعد تفسیر» چهارچوب و قوانین کلی است که هر مفسر پس از پذیرش مبانی صدور و دلالتی تفسیر و پس از اتخاذ دیدگاه در خصوص منابع تفسیر، برای دستیابی به مدلول واقعی یا نزدیک به واقعی الفاظ و جملات قرآن، بر آن‌ها تکیه می‌کند.

اینک یادکرد این مطلب ضروری می‌نماید که کتب و مقالاتی که در حوزه اخباری‌گری نگارش یافته، غالباً از چالش‌های ذیل متألم است:

۱. ناسازگاری و تضاد محتوایی؛ به طوری که دیدگاه‌های متضادی در خصوص استنباط از اندیشه‌های اخباریان مشاهده می‌شود که ظاهراً توانسته‌اند به نظر واحد و نگرش جامعی در زمینه دیدگاه اخباریان دست یابند. این نقص به نوبه خود، برخاسته از آسیب دیگری است و آن این‌که با گذشت بیش از چهارصد سال از تأسیس مکتب اخباری و رسوخ آشکار و پنهان آرای ایشان در

حوزه‌های حدیث، اخلاق، تاریخ، تفسیر و جز این‌ها؛ تألیفات شایسته‌ای در خصوص نقد اندیشه‌های ایشان و ترکیب باورهای صحیح آنان با افکار اصولیان چه در شکل نقد موضوعی، باورهای اخباری و چه در قالب نقد آثار خاص ایشان نگارش نشده است. هرچند در حوزه فقه و پژوهش‌های فقهی با ظهور تألیفاتی هم‌چون ریاض المسائل، جواهر الکلام، کشف الغطاء، مفتاح الکرامه و جامع احادیث شیعه، این نقیصه مرتفع شده است (فانز، ۱۳۹۳: ۱۴۴).

۲. عدم تفکیک بین دیدگاه‌های مشهور بزرگ‌ترین عالمان اخباری با دیدگاه‌های حداقلی و رویکردهای افراطی و تفریطی اخباریان. اخباری‌گری یک جریان منسجم و یکپارچه نیست. از این رو، باید دیدگاه مشهور بزرگ‌ترین عالمان اخباری که غالب ایشان به آن معتقدند میزان پژوهش قرار گیرد.

۳. غالب کتب و مقالات نگارش‌یافته در خصوص آرای اخباریان به «حوزه فقه» اختصاص یافته است.

۴. عدم تفکیک علمی و روشمند بین آرای اخباریان در «حوزه فقه» با «حوزه تفسیر». دغدغه اصلی اخباریان و اصولیان تفسیر متون مقدس نبوده، بلکه رشته پُردامنه‌تر حقوق و حیطة کاری آن (فقه) می‌باشد (لوسن، ۱۳۸۹: ۲). به طوری که غالباً با نگرشی عام و کلی به بازخورد اندیشه‌های آنان در حوزه تفسیر نگریسته شده است و چه بسا نگرش‌های فقهی و تفسیری آنان با یکدیگر خلط شده و منشأ لغزش‌های علمی گردیده است؛ به طوری که تشریح آرای اخباریان در حوزه علوم نقلی-تحلیلی مانند تفسیر، محتاج بازتحلیلی است (آرمیون، ۱۳۹۱: ۶).

۵. مقالات محدودی هم‌چون: «پیامدهای اندیشه‌های اخباریان بر حوزه پژوهش‌های قرآن»، «رأی اخباریان و اصولیان در تفسیر قرآن»؛ «نظریه استقلال قرآن، مصاف علامه طباطبایی با اخباریان»؛ «رویکرد اخباریان شیعه به تفسیر» و مانند این‌ها که به قلمرو بازخورد آرای اخباریان در حوزه قرآن اختصاص یافته، غالباً به طور اجمالی و مبهم و با عناوین عامی هم‌چون «پژوهش‌های قرآن» یا «تفسیر قرآن» تألیف شده و به طور عمدۀ مربوط به «مبانی و منابع تفسیر» از منظر اخباریان است. و تا کنون پژوهش عمیق و روشمندی در خصوص

کنش‌های آرای قرآنی اخباریان در حوزه «قواعد تفسیر»، به‌ویژه دو قاعده تفسیری «ضرورت استناد تفسیر به معرفت‌های بدیهی و احکام عقلی» و «ضرورت استناد تفسیر به دستاوردهای قطعی علوم تجربی» از منظر قرآن‌پژوهان اصولی شیعه نگارش نیافته است. به طوری که همین امر، به جهت نوآورانه بودن مسأله، پژوهش حاضر را به خود اختصاص داده است. نگارنده با روش تحلیلی، توصیفی، نقلی و بنیادین به این پژوهش مبادرت ورزیده است.

لازم به یادآوری: «قواعد تفسیر» طیف گسترده‌ای از قوانین و مقررات را شامل می‌شود که برخی «مشترک تفسیر با سایر علوم دینی» و برخی دیگر «مختص به تفسیر قرآن» است. برخی قرآن‌پژوهان تعداد این قوانین را تا ۳۸۰ قاعده دانسته‌اند (السبت، ۱۴۲۱: ۱/۲۵). لیکن آنچه در این مقاله در حوزه پژوهش قرار می‌گیرد، دو قاعده تفسیری فوق‌الذکر است که مورد پذیرش حداکثری مفسران اصولی شیعه می‌باشد.

اندیشه‌های قرآنی اخباریان در قلمرو «مبانی تفسیر قرآن»

اساسی‌ترین آرای قرآنی اخباریان که به‌عنوان پیش‌فرض‌ها و مبانی تفکرات آنان، بر دو قاعده تفسیری فوق‌الذکر تأثیرگذار است، به شرح ذیل تقریر می‌گردد:

۱. اخباریان با نگرشی مختص به خودشان، دغدغه حفظ خلوص دین و صیانت از ورود مفاهیم غیردینی به قلمرو دین خالص را داشته‌اند و دارند. آنان دین خالص را، دینی با مشخصات عصر ائمه علیهم‌السلام می‌دانند. این دغدغه آنان از حوزه فقه به سایر حوزه‌های دین هم چون تفسیر و پژوهش‌های قرآن‌سری دارند (فانز، ۱۳۹۳: ۱۶۴). «مکتب تفکیک» که منتسب به فقیه معاصر شیعه، «محمد مهدی غروی اصفهانی» مشهور به میرزامهدی اصفهانی (م. ۱۳۶۵) است، حرکتی است که در بیرون از حوزه فقه و با انگیزه حراست از خلوص دین شکل گرفته است (همان: ۱۶۳-۱۶۴؛ حکیمی، ۱۳۸۳: ۱۴۱۵).

۲. انحصار منبع تفسیر در قرآن و حدیث؛ منابع و مستندات تفسیر، مصادر و ابزارهایی هستند که معانی، آموزه‌ها و مقاصد آیات را روشن می‌سازند و مفسران برای فهم آیات از آن‌ها

بهره می‌گیرند. مفسران اصولی عقل‌گرا، منابع معتبر تفسیر را عبارت از قرآن، سنت معتبر، عقل، علوم تجربی قطعی، اجماع و شهود عرفانی دانسته‌اند. اما اخباریان منابع دین چه در حوزه فقه و چه تفسیر را منحصر در دو منبع قرآن و حدیث می‌دانند و برخی اخباریان افراطی مانند صدرالدین قمی همدانی، سید میرزا جزایری، صاحب «جواهر الکلم» و برخی دیگر، با عدم پذیرش ظواهر و حتی نصوص قرآن، تنها حدیث را به‌عنوان منبع واقعی می‌پذیرند (ر.ک: کاشف الغطاء، بی‌تا: ۱۸؛ انصاری، ۱۴۱۹: ۱۵۱/۱). از سوی دیگر، اخباریان همه روایات کتب اربعه (کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب الاحکام و استبصار) و حتی همه میراث حدیثی شیعه را قابل اعتماد می‌دانند (ر.ک: لوسن، ۱۳۸۹: ۳؛ کاشف الغطاء، بی‌تا: ۱۸؛ انصاری، ۱۴۱۹: ۱۵۱/۱).

۳. احتیاط اخباریان تندرو در حوزه تفسیر، غیر روشمند و روانشناسانه است و سرانجام به توقف و سکوت در حوزه تفسیر قرآن؛ تأکید در خلوص دین و عدم توجه به توانمندی آن در اداره جامعه؛ مسئولیت‌ناپذیری در قبال هدایت قرآن؛ جمود بر متون مقدس، عقل‌گریزی، پذیرش غیرروشمند و بی‌چون‌وچرای روایات ضعیف؛ ورود اسرائیلیات به حوزه تفسیر؛ عاری ساختن منابع فقهی و اصولی شیعه از دانش اصول فقه مقارن شیعه و اهل سنت؛ اجتناب از مظاهر مختلف سیاست و حکومت؛ دین‌سوزی و خرده‌گیری دشمنان منجر می‌شود. درحالی‌که احتیاط اصولیان در حوزه تفسیر، روشمند و معرفت‌شناسانه است و در راستای اجتناب از پیش‌فرض‌های ظنی، تحمیل آرای شخصی، قیاس ظنی، استبداد به رأی و تفسیر به رأی تعریف می‌شود، و در نهایت به مسئولیت‌پذیری در دین، تأمین هدایت مستمر قرآن در بستر تاریخ و اجتناب از افراط و تفریط دینی منتهی می‌گردد (ر.ک: لوسن، ۱۳۸۹: ۳؛ عابدی شاهرودی، ۱۳۶۹: ۱۵؛ بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۸۱-۱۸۴؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۴: ۷؛ کرباسی‌زاده اصفهانی، ۱۳۸۱: ۴۴).

۴. اخباریان هم‌چون اصولیان قایل به ضرورت استمرار هدایت بخشی قرآن تا پایان تاریخ؛ عدم تعطیل شدن دین در زمان غیبت امام دوازدهم علیه السلام؛ روشن و روشن‌گر بودن قرآن؛ لسان عربی مبین بودن آن هستند؛ لیکن به تناسب مبانی و قواعد تفسیری خاص خویش، تفاسیر متفاوتی در این خصوص ارایه می‌نمایند.

۵. اخباریان همانند اصولیان، معتقد به ضرورت اجتناب از پیش‌داوری، پیش‌فرض‌های ناصحیح، تحمیل نظرات و عقاید شخصی و فرقه‌ای، پرهیز از شبهات و تفسیر به رأی در حوزه تفسیر قرآن هستند؛ لیکن با عنایت به مبانی و قواعد تفسیری متفاوت، با رویکردهای مختلف به این اصل التزام می‌ورزند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۵۰۶/۱؛ بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۳۱-۲۳۶).
۶. اخباریان علی‌رغم محدودیت منابع نقلی دین در پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع و سیال بشری، فلسفه، عقل، استدلال، اصول عقلیه، استحسانات و قیاس را بستر خطاها و تنازعات علمی دانسته‌اند و لذا به‌طور عمده آن را در دست‌یابی به معرفت دینی و از جمله تفسیر و پژوهش‌های قرآنی، عقیم و غیرمعتبر می‌دانند (فانز، ۱۳۹۳: ۱۶۵؛ صدر، ۱۳۷۵: ۴۲).
۷. اخباریان به‌دلیل تقسیم محکّمات به نصوص «صریح الدلاله» و متشابهات شمردن عموم ظواهر قرآن، کمترین آیات قرآن را مربوط به قلمرو محکّمات و بیشترین آیات قرآن را متشابه دانستند (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۸۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۱۸۶). استدلالی که اخباریان در این حوزه مطرح می‌کنند آن است که در مورد قرآن، نمی‌توان به اصل ارتکازی عقلا و مورد پذیرش شارع مقدس که جواز عمل به ظواهر کلام است پایبند بود؛ زیرا در احکام نظری شرعی به دلیل احتمال وجود تقیید و تخصیص، نمی‌توان به ظواهر قرآن استدلال نمود. این دیدگاه به محمد امین استرآبادی، سید حسین کرکی، شیخ حر عاملی، محمدتقی مجلسی و امثال آنان مستند است.
- مفسران اصولی پاسخ می‌دهند که اولاً، دلیل اخباریان اخصّ از مدّعی‌شان است؛ زیرا دلیل آنان بر فرض صحت، صرفاً شامل آیات الاحکام می‌شود نه غیر آن. ثانیاً، ادعای اجمال و ابهام ظواهر آیات الاحکام در صورتی صادق است که مفسّر از منابع و قرائن فهم آیات به‌طور کافی جست‌وجو و فصیح نکرده باشد. ثالثاً، لازمه سخن اخباریان آن است که ما به ظواهر احادیث نیز نتوانیم عمل کنیم؛ زیرا احادیث نیز مانند قرآن مشتمل بر عام و خاص، مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه است؛ درحالی‌که اخباریان به ظواهر احادیث انمه لایست عمل می‌کنند. رابعاً، متشابه دانستن ظواهر قرآن، اگر به معنای «تشابه حقیقی» باشد، با فرض هدایت‌گری قرآن، توصیه به تدبّر و اندیشه در آن، مرجعیت قرآن نسبت به روایات و

مانند این‌ها سازگار نیست؛ و اگر به معنای «تشابه نسبی و اضافی» باشد، به طوری که استنباط احکام نظری شرعی از ظواهر قرآن، منوط به ارجاع به روایات معصومان علیهم‌السلام باشد، با مشکلی مواجه نخواهد بود (اسعدی، ۱۳۹۰: ۷۹-۸۱).

لازم به یادآوری است اخباریان تندرو، تمام آیات قرآن را مجمل و متشابه می‌دانند و حتی اجازه نمی‌دهند بدون روایات الفاظی از قرآن تفسیر شوند (کاشف الغطاء، بی تا: ۱۸). درحالی‌که برخی از اخباریان معتدل مانند ملامحسن فیض کاشانی، نه تنها ظواهر قرآن را در احکام نظری و غیر آن حجت می‌دانند، بلکه معتقدند مؤلفان کمال‌یافته نیز به برکت متابعت از معصومان علیهم‌السلام، ممکن است بعضی از تشابهات قرآن را تأویل کنند؛ هرچند علم به تمام تشابهات، مخصوص ائمه علیهم‌السلام است (فیض کاشانی، ۱۳۹۰: ۲۰ و ۳۸).

۸. در سبک تفسیری اخباریان و اصولیان تفاوت‌هایی به شرح ذیل مشهود است:

الف. اخباریان در تفاسیرشان، اهمیتی به سبک‌شناسی، نکات صرفی و نحوی نمی‌دهند. بنابراین مسایل واژگانی همراه با شواهد ادبی، غالباً در تفاسیرشان مشاهده نمی‌شود. درحالی‌که در آثار کلاسیک شیعه در تفسیر مانند مجمع البیان طبرسی و تبیان طوسی از مسایل صرفی و نحوی بحث می‌شود و از مشاجرات مهم پرهیز می‌گردد.

ب. اخباریان در تفاسیرشان از منقولات صحابه و تابعان و احادیث صحاح و مسانید اهل سنت اجتناب می‌ورزند. درحالی‌که در تفاسیر اصولیان شیعه، حجم زیادی از مطالب، از منابع سنی و راویانی نظیر مجاهد، قتاده، احمد بن حنبل، ابن مسعود و عایشه نقل می‌شود. ج. تفاسیر اخباریان همگی به تصریح یا به تلویح بر مرجعیت مطلق امامان علیهم‌السلام تأکید دارد و آشکارا ماهیتی ضد سنی دارد (لوسن، ۱۳۸۹: ۴-۵).

۹. اخباریان علم رجال و درایه را غیر ضروری و کم‌فایده می‌دانند. علم رجال دانشی است که درباره احوال راویان حدیث، از جهت اتصاف آن‌ها به شرایطی که در جواز یا عدم جواز گفتار آن‌ها (مانند: راست‌گویی، عدالت و فسق) مدخلیت دارد، گفت‌وگو می‌کند (سبحانی، ۱۴۰۸: ۱۱). هم‌چنین علم درایه نیز علمی است که از کیفیت نقل حدیث توسط راویان، به لحاظ اتصال و

کنش‌های آرای اخباریان بر دو قاعده تفسیری «ضرورت استناد به احکام...» ۶۷

انقطاع زنجیره ناقلان حدیث و یا داشتن سند یا ارسال سند و مانند آن سخن می‌گوید (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۵: ۳). دیدگاه مشهور اخباریان در مورد روایات کتب اربعه و سایر کتب مشهور، مانند کتاب‌های شیخ صدوق و غیر او از بزرگان شیعه، آن است که چون از اصول چهارصدگانه اصحاب ائمه علیهم‌السلام اخذ شده‌اند، متواتر یا محفوف به قرائن‌اند (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۶۵ و ۱۷۶؛ کرکی عاملی، ۱۳۹۶: ۸۷؛ بهشتی، ۱۳۹۰: ۵۰۲)؛ از این رو علم به صحت مضامین و قطعی‌الصدور بودن‌شان دارند. محمد امین استرآبادی قرائنی را بر می‌شمارد که به عقیده وی موجب قطع و یقین به صدور احادیث از اهل‌بیت علیهم‌السلام گردیده و ما را از پرداختن به سند حدیث و مباحث رجال بی‌نیاز می‌کند. برخی از این قرینه‌ها عبارت‌اند از: تقویت احادیث توسط احادیث دیگر؛ استناد و استدلال عالمان ثقه و باتقوا به این احادیث. از منظر وی وجود این قرینه‌ها، احتمال هرگونه افتراء، دروغ و جعل حدیث را از طرف راوی منتفی نموده و صدور آن را از معصوم علیه‌السلام نیز به اثبات می‌رساند (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۸۱-۱۸۳). از این رو علم رجال و علم درایه از نظر اخباریان ضرورتی ندارد و فواید زیادی بر آن مترتب نیست و ذکر اسناد چنین روایاتی را، از باب تبرک و تیمن و تأسی به سیره سلف که اسناد روایات را سلسله‌وار معنعن به اهل عصمت علیهم‌السلام ذکر می‌نمودند، می‌دانند. از منظر ایشان ذکر سند روایات شیعه به جهت فوایدی مانند:

الف. استفاده از مرجحات احوال رجال در مقام تعارض اخبار؛

ب. کاربرد سند روایات و احوال رجال حدیث، به‌عنوان قرینه‌ای بر ثبوت حدیث می‌باشد (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۲۰، ۱۱۲؛ بهشتی، ۱۳۹۰: ۵۰۴).

اما اصولیان مجتهد، اولاً تمام روایات کتب اربعه و منابع حدیثی مشهور شیعه را قطعی‌الصدور ندانسته‌اند و وجود روایات غیر صحیح و جعلی در میان آن‌ها را حتمی می‌دانند. از این روست که شیخ طوسی در خصوص روایاتی از «کافی» کلینی و «من لایحضره الفقیه» صدوق، مناقشه می‌کند (خویی، ۱۴۱۰: ۲۸/۱) و شیخ صدوق در مواردی، روایات کافی را رد می‌کند و یا خود، احادیثی را نقل می‌کند ولی نه به آن‌ها فتوا می‌دهد و نه به صحت آن‌ها حکم می‌کند (صدوق، ۱۴۱۳: ۱/۱۶۲ و ۲: ۷۵).

ثانیا، تأیید صحت روایات به دلیل ثقه بودن راوی که در بیان اخباریان مشاهده می‌شود، نه از بدیهیات عقلی، و نه از مسلمات دین است؛ بلکه برخاسته از کتب رجالی است که وثاقت راوی را اثبات می‌کند. پس چگونگی اخباریان بر آن‌اند که احتیاجی به علم رجال و احوال روات نداریم (بهشتی، ۱۳۹۰: ۵۰۶).

۱۰. اخباریان احادیث شیعه را به پشتوانه استناد به قدمای اصحاب، به دو قسم صحیح و ضعیف تقسیم می‌کنند، ولی اصولیان و مجتهدان آن را به اقسام چهارگانه صحیح، حسن، موثق و ضعیف بخش‌پذیر می‌دانند (مکی عاملی، ۱۴۲۳: ۱/ ۴۸). اخباریان به روش قدما، اعتمادشان فقط به سند حدیث نیست، بلکه به قرآنی که خبر ضعیف‌السند را به قوی‌السند ملحق کند، نیز اعتماد می‌کنند، و چه بسا بر خبر قوی رجحان داده و در عمل خبر قوی‌السند را طرح می‌کنند (کرکی عاملی، ۱۳۹۶: ۱۰۴).

اخباریان می‌گویند مراد از خبر صحیح نزد قدمای اصحاب، روایتی است که دانسته شده از معصوم علیه السلام صادر شده است (مجلسی، ۱۴۱۴: ۱/ ۱۰۱)؛ هم‌چنین روایت ضعیف در مقابل روایات صحیح را به روش قدما به سه معنا می‌دانند:

الف. روایتی که به واسطه قرآن به صدور آن از معصوم علیه السلام قطع نداریم؛

ب. خبری که قطع بر صدور آن از معصوم علیه السلام داریم ولی در مقام عمل، معارض قوی‌تر از آن وجود داشته باشد، مثل وجود روایات دیگری که به دست خط معصوم علیه السلام باشد.

ج. روایتی که به دلیل مخالفت با امر ضروری، قطع پیدا کنیم که آن روایت حکم الله نیست، هرچند از معصوم علیه السلام صادر شده باشد (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۷۷). بنابراین هر حدیثی که قطع به صدور آن از معصوم نداریم، ضعیف‌السند است، هرچند تمام سلسله سند آن امامی عادل باشد (بحرانی، ۱۴۲۳: ۳/ ۲۹۶؛ استرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۷۷). آنان هم‌چنین دسته‌بندی حدیث به خبر متواتر و به خبر واحد، و تقسیم خبر واحد به صحیح، حسن، موثق و ضعیف را از اختراعات احمد بن موسی بن طاووس (م. ۶۷۳ق) یا شاگردش علامه حلی و متأثر از اندیشه‌های اهل سنت و الفت ذهن علامه حلی به کتب عالمان سنی می‌دانند (همان: ۸۸؛ بهشتی، ۱۳۹۰: ۵۰۶-۵۰۸ و ۵۱۶).

اصولیان و مجتهدان بارد انتساب تقسیمات چهارگانه حدیث به ابن طاووس و علامه حلی، آن را برخاسته از کتب رجالی قدمای شیعه می‌دانند. آنان به خبری صحیح می‌گویند که تمام سلسله راویان آن، امامی عادل باشند (مجلسی، ۱۴۰۶: ۲۱/۱). وحید بهبهانی در این زمینه می‌نویسد: «روایت صحیح نزد قدما به معنای قطعی‌الصدر نیست، به طوری که شیخ طوسی و امثال او به اخبار آحاد، به‌عنوان خبر صحیح، عمل می‌کردند» (بهبهانی، ۱۴۱۶: ۱۷۰). از سویی از کلام شیخ صدوق نیز مشاهده می‌شود که چه بسا، قطع به صدور روایتی نداشتند و با این حال در «الفقیه» به مضمون آن روایت، که آن را خبر صحیح می‌دانسته، فتوا داده‌اند» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۱ و ۱۶۲).

تأثیر اندیشه‌های اخباریان بر «قواعد تفسیر»

اینک پس از تشریح پیش‌فرض‌ها و مبانی قرآنی اخباریان، بر آنیم تا کنش‌های اندیشه‌های قرآنی ایشان را بر «قواعد تفسیر» از منظر مفسران اصولی و عقل‌گرای شیعه تشریح نماییم.

۱. عدم مخالفت تفسیر با معرفت‌های بدیهی و احکام نظری عقلی از دیدگاه اخباریان

هرچند اخباریان در مجموع نسبت به اصولیان، ارزش کمتری برای عقل قایل‌اند و حتی برخی از آنان رویکردهای افراطی در طرد عقل دارند، ولی چنان‌که مرحوم مظفر در مبحث عقل اصول فقه پژوهش نموده است، نابسامانی و خلط مبحث و خطا در تبیین محل نزاع، در خصوص جایگاه عقل و اعتبار حکم عقلی در بسیاری از موارد این مبحث مشاهده می‌شود (مظفر، ۱۳۸۶: ۱۰۹/۲-۱۱۲) که ریشه این اشتباه، بی‌توجهی به انواع گزاره‌های دینی و گوناگونی حکم عقل در این گزاره‌هاست؛ چنان‌که تا کنون تلاش شایسته‌ای از هر دو گروه برای تبیین موضوع صورت نپذیرفته است.

محمد امین استرآبادی در موافقت از مکتب اجتهاد و از منظر خویش دلایل عقلی را به چهار دسته و به شرح ذیل تقسیم می‌کند:

دسته اول: حکم عقلی که توقف بر خطابات شرعی دارد، یعنی مطابق متن نقلی دین (کتاب

و سنت) استفاه می‌شود. این حکم به نوبه خود به شش قسم تقسیم می‌شود:

الف. لحن خطاب که قرینه عقلی بر حذف لفظ می‌شود. مانند حذف لفظ «له» و «ضرب» به قرینه عقلی در آیه ۶۰ سوره بقره «وَ إِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا».

ب. مفهوم موافق مانند استنباط عقلی عدم جواز توهین و کتک زدن والدین از آیه ۲۳ سوره اسراء: «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ».

ج. مفهوم مخالف از قبیل مفهوم وصف و شرط.

د. حکم عقل به وجوب مقدمه واجب.

ه. حکم عقل به حرمت ضد.

و. حکم عقل مبنی بر این که اصل در امور سودمند، مباح بودن و در چیزهای مضر، حرام بودن است.

دسته دوم: حکم عقلی است که توقف بر خطاب شرعی ندارد، یعنی عقل به تنهایی و به طور مستقل آن را درک می‌کند. چنین حکمی یا حکم وجوب است مانند وجوب رد امانت؛ یا مربوط به ادراک حسن و قبح توسط عقل است، مانند قبح ظلم و دروغ و حسن انصاف و صداقت؛ یا مربوط به ادراک ملازمه بین دو حکم عقلی و شرعی است؛ و هر یک از آن‌ها گاه بدیهی و گاه نظری است. مرحوم کلینی «عقل» به معنای ادراک خیر و شر و بازشناسی این دو از یکدیگر را، مدار تکلیف و ثواب و عقاب می‌داند، ولی علوم تصدیقی و تصویری که با قوه عقل به دست می‌آید، یعنی احکام نظری عقلی را، نه علم آور و نه حجت می‌داند (کلینی، ۱۳۶۳: ۱/۵-۹؛ مجلسی، ۱۳۹۴: ۱/۲۵)، چنان که مرحوم شهید اول، برانت و استصحاب حال شرع را از موارد حکم عقلی که توقف بر خطاب شرعی ندارد، دانسته است (مکی عاملی، ۱۴۲۳: ۱/۵۳).

لازم به یادآوری است: منظور اصولیان از «دلیل عقلی» هر حکم عقلی است که ما را به طور قطع به حکم شرعی برساند. چنین دلیلی، منبعی مستقل همانند کتاب و سنت و معادل آن است، منتها در طول آن دو قرار دارد. بنابراین، در اصطلاح اصولیان، هر قضیه عقلی

ظن آور، دلیل عقلی خوانده نمی‌شود، هرچند بر مقدمات عقلی استوار باشد (ر.ک: مظفر، ۱۳۸۶: ۱۰۹/۲-۱۱۲).

۱-۱. تشریح دیدگاه اخباریان در خصوص جایگاه و ارزش عقل

۱. اخباریان ادراک عقلی را به دو قسم «فطری» (یا بدیهی عقلی) و «نظری» (یا مستند به مقدمات ظنی) تقسیم می‌کنند. و مرادشان از عقل فطری همان معرفت‌های بدیهی عقلی است که در اصطلاح اصولیان، «ضروریات عقلی» یا «قضایای ضروری» نامیده می‌شود. اخباریان به‌عنوان نمونه: از برخی معارف اصول دین از قبیل اثبات صانع و صفات خداوند، یگانگی خداوند و عادل بودن او - هرچند تفصیل مطالب معارفی، از نظر اخباریان صرفاً باید از معصومان علیهم‌السلام دریافت شوند (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۳۵۱ و ۴۲۶: استرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۲۹) - مواردی که عقل صواب را از خطا باز می‌شناسد، مانند حسن و قبح برخی افعال (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۴۲۵)، دلیل عقلی بر اصل حجیت کتاب و سنت (حر عاملی، ۱۳۶۴: ۱/۷۷) نام برده‌اند. «عقل نظری» از نظر اخباریان، اعم از قضایای مشهور، آرای محموده، خُلقیات، طبیعیات و عادات عقلا است. آنان عقل فطری را یکی از حجت‌های قطعی خداوند و حتی «شرع درون» دانسته‌اند (بحرانی، ۱۳۷۷: ۱/۱۳۲) که توانایی درک بعضی از احکام را قبل از ورود به شرع دارد و شرع نیز مؤید آن احکام است، و برخی دیگر از احکام را به‌تنهایی درک نمی‌کند، که شرع کاشف و مبین آن‌هاست (بحرانی، ۱۴۲۳: ۲/۲۵۱؛ شیرازی، ۱۳۱۶: ۱/۲۸۱) و به‌دلیل یقین‌آوری، حجیت آن را قطعی می‌دانند؛ ولی حجیت «عقل نظری» را نه‌تنها بی‌دلیل دانسته بلکه معتقدند به اقتضای ظنی بودن، از عمل به آن نهی شده است (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۴۲۶). بنابراین، اخباری عقل نظری را چه در حوزه مسائل فقهی و چه غیر فقهی (مانند تفسیر قرآن) نه یقین‌آور و نه حجت می‌دانند.

۲. اخباریان، حجیت احکام قطعی عقلی را می‌پذیرند ولی آن را ذاتی عقل ندانسته و محتاج به تأیید شارع می‌دانند. از این‌رو شیخ حر عاملی، پس از ذکر نمونه‌هایی مانند اثبات صانع و صفات خداوند، یگانگی و عادل بودن او می‌نویسد: «ما نصوص بسیاری طبق این ادراکات عقل داریم و شکی در حجیت آن‌ها نیست» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۴۲۶).

بسیاری از اصولیان در شناخت ادعای اخباریان خطا کرده و چنین پنداشته‌اند که آنان حجیت دلیل قطعی را نمی‌پذیرند. آخوند خراسانی با طرد این انتساب می‌گوید: «با تأمل در عبارات آنان (اخباریان) روشن می‌شود که آنان با حجیت دلیل ظنی مخالف‌اند». وی ادامه می‌دهد: «لزوم پیروی از مطلق قطع، بر هیچ عاقلی پوشیده نیست چه برسد به فضلالی اخباری» (خراسانی، ۱۴۰۹: ۳۱۱-۳۱۴). سوء فهم اصولیان از باور اخباریان، از آن‌روست که اخباریان می‌گویند دلیل عقلی نظری در معرض خطاهاست (و اگر ما به آن عمل کنیم، معلوم نیست تکلیف خویش را ادا کرده باشیم) و لذا موجب قطع نیست، ولی اصولیان در پاسخ می‌گویند: قطع در همه حال حجیت دارد (بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۶۲ و ۲۵۸-۲۵۹). اصولیان معتقدند حجیت قطع ذاتی است، چه در بدیهیات عقلیه و چه در احکام نظری عقلی و نیازی به تأیید شارع ندارد (همان: ۲۴۹-۲۵۳).

۳. اخباریان معتقدند: هر حکمی که صرفاً بر پایه دلیل عقلی صادر شود، اولاً ظنی است و ثانیاً حجیت ندارد (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۳۰؛ کرکی عاملی، ۱۳۹۶: ۱۹۴) لذا سید نعمت‌الله جزایری می‌نویسد: «از طریق عقل، به‌تنهایی و بدون دلیل نقلی، اطمینانی برای ما حاصل نمی‌شود، چرا که دلیل عقلی، اساساً تمام نیست» (جزایری، ۱۴۰۱: ۲۶؛ همان، ۱۳۸۲: ۴۰/۴)؛ هم‌چنین محمد امین استرآبادی، ادراکات و دریافت‌های عقلی را در صورتی که از ضروریات دین (مانند نماز، زکات و حج) نباشد و نظری باشد، چه در اصول دین و چه در فروع دین، مانند حکمت الهی و حکمت طبیعی، علم کلام، اصول فقه، مسایل فقه و جز این‌ها حجت نمی‌داند (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۳۰).

اخباریان می‌گویند: از راه دلیل عقلی بدیهی (عقل فطری) نمی‌توان هیچ حکم اعتباری شرعی را به دست آورد. به اعتبار دیگر، احکام شرعی در دسترس ادراکات بدیهی عقلی قرار نمی‌گیرد. از سویی احکام شرعی از راه عقل غیرقطعی (عقل نظری) نیز حجیت ندارد.

توضیح آن‌که: احکام شرعی هم ناظر به کلیات است و هم جزئیات؛ به طوری که شامل مجموعه‌ای از امور فرعی و جزئی گوناگون می‌شود که در ذیل یک امر کلی عقلی گرد نمی‌آیند و باید تک‌تک آن‌ها را ملاحظه کرد (فیض کاشانی، ۱۳۹۰: ۷). از سویی، دلیل عقلی قطعی، (عقل فطری) از ادراک احکام شرعی و شناخت فروع فقهی ناتوان است و دلیل عقلی ظنی (عقل

کنش‌های آرای اخباریان بر دو قاعده تفسیری «ضرورت استناد به احکام...» ۷۳

نظری) بدون دلیل نقلی، موجب یقین و علم و حتی اطمینان خاطر نمی‌شود و به باور اخباریان، دلیلی بر حجیت چنین ظنی نداریم؛ لذا مرحوم محمدتقی مجلسی این نوع دلیل عقلی را در احکام شرعی حتی مفید ظن و وهم هم نمی‌داند (جزایری، ۱۳۸۲: ۱۳۲/۳؛ جزایری، ۱۴۰۱: ۲۶).

اصولیان، بر این باورند که ائمه علیهم‌السلام عقل را یکی از منابع شناخت می‌دانند؛ از این رو:

الف. حدیث مخالف عقل باید کنار گذاشته شود (مفید، ۱۴۱۴: ۵/۱۴۹).

ب. احادیث باید بر عقل عرضه شوند و اگر مخالف عقل نبوده‌اند، آن‌گاه باید بر کتاب

عرضه شوند (سید مرتضی، ۱۴۱۰: ۱/۴۱۰).

ج. در موضوعات جدیدی که در کتاب و سنت دلیلی درباره آن‌ها نباشد، باید به حکم

عقل مراجعه و به آن عمل کرد (همان: ۲۱۰).

د. هر امر مشتبه‌ای از آیات و غیر آیات، باید بر عقول عرضه شود؛ زیرا عقول اصل و دلیل

است (همان، ۲: ۵۶). شیخ مفید در انتقاد از اصحاب حدیث و به‌ویژه شیخ صدوق می‌نویسد:

«دست کشیدن اصحاب حدیث از استدلال عقلی به تقلید کورکورانه می‌انجامد که همه در

طرد تقلید اتفاق نظر دارند...». وی در ادامه و در انتقاد از شیخ صدوق می‌افزاید:

او از روش اصحاب حدیث پیروی می‌کرد و به ظواهر الفاظ عمل نموده و از راه‌های تفکر

دوری گزیده است و این طرز تفکر، به دین کسی که پایبند آن است، ضرر می‌رساند و باقی ماندن

بر آن، مانع از تحقیق عقلانی است؛ پس باید قایل به تفصیل شد» (مفید، ۱۴۱۴: ۵/۱۳۸).

در نتیجه، اصولیان دلیل عقلی بدیهی را چه در بدیهیات عقلی و چه احکام نظری عقلی،

حجت می‌دانند و دلیل ظنی عقلی را (به دلیل آن‌که باب علم و قطع مسدود است و چاره‌ای جز به ظن

نداریم) در «ظنون خاص» (و نه مطلق ظنون) به دلیل تأیید شارع مقدس، مجاز می‌دانند.

۴. اخباریان به روایاتی استناد می‌کنند که می‌گویند: دین را نمی‌توان از طریق عمل به رأی،

دیدگاه‌هایی ناقص، هوای نفس، قیاس و عقل ناقص درک کرد (ر.ک: بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۵۶-

۲۵۸). به عنوان نمونه از امام سجاد علیه‌السلام نقل کرده‌اند که فرموده است: «إن دین الله عزوجل

لا یُصاب بالعقول الناقصة والآراء الباطلة والمقانیس الفاسدة، ولا یُصاب إلا بالتسليم. فمن

سَلِّمْ لَنَا سَلْمًا وَمِنْ اهْتَدَى بِنَا هَدًى...» (صدوق، ۱۳۹۵: ۳۲۴). اصولیان در پاسخ می‌گویند: مراد از این روایات بر فرض صحت سند، استقلال در درک دین و بی‌نیاز پنداشتن خویش از سنت معصومان علیهم‌السلام است (انصاری، ۱۴۱۹: ۶۰/۱).

۵. اخباریان بر ضرورت تحصیل علم و یقین در احکام دین، اعم از احکام فقهی و غیرفقهی هم‌چون اعتقادات، اخلاق، تفسیر و مانند این‌ها تأکید دارند؛ لیکن بر این باورند که هر حکمی مستند به نقل اهل‌بیت علیهم‌السلام نباشد و صرفاً بر پایه دلیل عقلی صادر شود، نتیجه‌ای جز ظن و چه بسا وهم ندارد؛ بنابراین یقین‌آور نیست تا نوبت به حجیت آن برسد، زیرا مناط تعلق تکلیف شنیدن آن از شرع است و عقل در این زمینه هیچ اعتباری ندارد (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۲۹؛ بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۵۰-۲۵۱).

۶. گزاره‌های اعتقادی به سه قسم بخش‌پذیرند:

الف. اعتقاداتی که عقل توان درک آن را ندارد و تنها با دلیل نقلی قابل اثبات است. مانند جزئیات معاد و سؤال و جواب قبر. در این حوزه، اصولی و اخباری قایل به عدم کفایت و کارایی عقل‌اند.

ب. آنچه صرفاً با عقل قابل درک است، مانند اصول عقایدی از قبیل اثبات وجود خداوند و نبوت پیامبران. در این حوزه نیز توافق اخباریان و اصولیان در کارایی عقل حاصل است.

ج. برخی گزاره‌های اعتقادی که هم با عقل و هم با نقل می‌توان درک کرد. پژوهش‌نگارنده نشان‌دهنده آن است که اخباریان «ادله عقلی موافق با نقل» و «حکم عقلی مبتنی بر عقل بدیهی و فطری» را پذیرفته و به آن استناد می‌کنند (حر عاملی، ۱۳۶۴: ۱۱۸/۱؛ مجلسی، ۱۴۱۴: ۲۲/۱). بنابراین غالب اخباریان و همه اصولیان به حجیت احکام قطعی عقلی در این حوزه باور دارند، اما گزاره‌های غیرقطعی اعتقادی مورد نزاع اخباریان و اصولیان است؛ به طوری که اخباریان در خصوص احکام عقلی نظری در حوزه مفاهیم اعتقادی قایل به عدم علم‌آوری و عدم حجیت‌اند و استدلال به ادله عقلی در اصول عقاید را بدون آن‌که نقل مؤید آن باشد، جایز نمی‌دانند (حر عاملی، ۱۳۶۴: ۱۲۲/۱؛ مجلسی، ۱۳۹۴: ۲۶۸/۲) در حالی که اصولیان دلیل عقلی را اصول کافی

می‌شمارند و لزومی به استفاده از نص نمی‌بینند (بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۸۲-۲۸۵).

۷. پژوهش‌نگارنده بیان‌گر آن است که حجیت و اعتبار گزاره‌های عقلی در حوزه تفسیر، از منظر اخباریان را می‌توان در دو حوزه و به شرح ذیل تبیین نمود:

- اول: حوزه مفاهیم اعتقادی که شرح آن تقریر شد.

- دوم: حوزه مفاهیم غیر اعتقادی، اعم از فقهی، تفسیری، اخلاقی، تاریخی، تکوینی و مانند این‌ها. این حوزه به نوبه خود به دو بخش تقسیم می‌شود:

بخش اول: آن‌که حکم عقل متوقف بر متن دینی و خطاب شرعی باشد.

اخباریان حکم عقلی برخاسته از بدیهیات عقلی، اولیات، محسوسات، مواردی که مبادی آن‌ها نزدیک به حس باشد (که موجب قطع و یقین می‌شود) را قطعی و حجت می‌دانند؛ و حکم عقل نظری، در مواردی که حکم عقل و مبادی آن، دور از حس باشد و یا مقدمات حکم، ظنی باشد را غیرقطعی و حجت نمی‌دانند. به نظر می‌رسد اصولیان نیز چنین دلیل عقلی را حجت نمی‌شمارند. اخباریان قیاس اولویت را معتبر نمی‌دانند. اما اصولی‌ها آن را معتبر می‌شمارند و بر این باورند وقتی خداوند می‌فرماید «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٍ» (اسراء: ۲۳) از آن حرمت ضرب و شتم پدر و مادر به طریق اولی استنباط می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۴۶۸).

از منظر اخباریان اگر در روایتی مسأله‌ای منصوص العله باشد، تعمیم و تعدی حکم از آن محل به مسأله دیگر، مجاز نیست؛ در حالی که مشهور اصولیان آن را جایز نمی‌دانند (بحرانی، ۱۳۷۷: ۶۰/۱؛ فرج‌الله دزفولی، بی‌تا: ۲۵)

بخش دوم: آن‌که حکم عقل توقف بر متن دینی و خطاب شرعی نداشته، بلکه صرفاً برخاسته از درک مستقل عقل باشد. چنان‌که گذشت اخباریان در این حوزه، صرفاً بدیهیات عقلی را یقین‌آور و حجت می‌دانند و احکام نظری عقلی را ظنی و غیرمعتبر می‌شمارند. لیکن اصولیان هم بدیهیات عقلی و هم احکام قطعی نظری را در کشف آموزه‌های دینی حجت و معتبر می‌شمارند (انصاری، ۱۴۱۹: ۳۱/۱؛ قدسی، ۱۴۱۶: ۲/۲۶۹).

اخباریان بر این باورند که مفسر مجتهد، اگر از غیر کتاب و سنت، استنباطی داشته باشد، چه به واقع نرسد یا برسد، مرتکب گناه شده است؛ زیرا چنان‌که به حق برسد، بدون علم (تأیید

روایات اهل بیت علیهم السلام و نص قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله به آن رسیده و اگر خطا کند، افترا بر خداوند بسته است. اما مفسران اصولی و مجتهد، در برخی موارد «علم» و در برخی موارد «ظن خاص» بر طریق خود دارند و معتقدند شارع مقدس آن را معتبر می‌داند؛ از این رو اگر به حق برسند، اجر و پاداش دارند و چنانچه نرسند، معذورند (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۵۷؛ میرزای قمی، ۱۳۱۵: ۶/۲؛ صدر، ۱۳۷۵: ۱۰/۲).

۸. این که آیا با اثبات فقدان دلیل در احکام اعتباری می‌توان حکم شرعی را نفی کرد؟ پاسخ اخباریان، منفی، ولی اصولیان پاسخ‌شان مثبت است (بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۴۸ و ۳۳۴).
۹. تقدم دلیل عقلی بر دلیل نقلی. غالب اخباریان تنها به دو منبع قرآن و حدیث، به عنوان منبع دینی در حوزه‌های فقه، تفسیر و مانند این‌ها باور دارند؛ از سویی احکام قطعی عقلی را منحصر به عقل بدیهی فطری و با توانایی درک برخی از احکام قبل از ورود به شرع از قبیل برخی از معارف اصول دین می‌دانند و احکام نظری در حوزه درون دینی از قبیل فقه، اخلاق، تفسیر را ظنی می‌شمارند و حجت نمی‌دانند؛ از این رو آموزه‌های تفسیری برخاسته از احادیث را مقدم بر استنباط‌های برخاسته از استدلال و قیاس تلقی می‌نمایند.

این در حالی است که مفسران اصولی، اولاً دلیل عقلی قطعی را بر دلیل نقلی ظنی ترجیح می‌دهند. به عنوان نمونه در تعارض قرینه سیاق، به عنوان قرینه نقلی ظنی با دلیل قطعی عقلی، دلیل عقلی را مقدم می‌دارند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۱/۴۳۲ و ۱۶۹/۲). حتی علامه طباطبایی در تعارض سیاق با ظاهر روایات ظنی، سیاق را مقدم و در ظاهر روایات تصرف می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱۲۲؛ صدر، ۱۳۷۵: ۱۲/۲).

۱۰. اخباریان، احکام فقهی، برخی از اعتقادات جزئی و فرعی (مانند جزئیات معاد)، آیات الاحکام، بخشی از تفسیر قرآن را به دلیل آن که اعتباری و دور از دسترس حواس و عقل است؛ به طوری که عقل ابتداءً و استقلالاً هیچ راهی در درک آن ندارد و نمی‌تواند مستند آن را درک کند، «توقیفی» و درک آن را منحصر در اراده و اعتبار شارع می‌دانند و حتی برخی از اخباریان، همه تفسیر قرآن را توقیفی دانسته‌اند. در حالی که اصولیان می‌گویند توقیفی بودن احکام فقهی و آیات الاحکام قرآن، به معنای انحصار آن در اراده و اعتبار شارع نیست؛ به گونه‌ای که هیچ

دلیل عقلی نتواند آن را درک کند، بلکه دلیل عقلی با انضمام «قاعده تلازم»، می‌تواند حکم الهی را کشف نماید. عقل براساس مستقلات عقلیه، حسن و قبح کاری را درک می‌کند، سپس با انضمام دلیل عقلی «تلازم بین حکم عقلی و شرعی»، به حکم شارع به حسن و قبح آن، واصل می‌شود. چنان‌که تفسیر قرآن در غیر آیات الاحکام، هرگز توفیقی نبوده و صرفاً متکی بر تأیید شارع مقدس نمی‌باشد (مظفر، ۱۳۸۶: ۱۱۳/۲-۱۱۵).

۱۱. آنان تنقیح مناط قطعی عقلی را معتبر و قابل عمل می‌دانند (کاشف الغطاء، بی‌تا: ۶ و ۱۰۲؛ فرج‌الله دزفولی، بی‌تا: ۲۸)، ولی اصولیان به دلیل قطع‌آوری و حجیت ذاتی عقل، آن را معتبر و قابل عمل می‌دانند (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۴۴۸؛ بحرانی، ۱۳۷۷: ۶۰/۱).

۱۲. پیش‌تر گفته شد، ادراک حسن و قبح توسط عقل، و ادراک ملازمه بین دو حکم عقلی و شرعی، در زمره ادراکات عقلی است که توقف بر خطاب شرعی ندارد و عقل در ادراک آن مستقل است. اینک می‌افزاییم که پذیرش حسن و قبح عقلی و ذاتی افعال، صغرای بحث درباره ادراک ملازمه بین دو حکم عقلی و شرعی است؛ به‌گونه‌ای که با انکار اولی، نوبت به بحث ملازمه نمی‌رسد (فاضل‌تونی، ۱۴۱۲: ۱۷۱).

دیدگاه اخباریان در این زمینه به شرح ذیل است:

الف. اخباریان همانند اصولیان، حسن و قبح «عقلی» را قبول دارند مانند حسن صدق و انصاف و قبح ظلم (همان).

ب. آنان حسن و قبح «ذاتی» را می‌پذیرند، یعنی در برخی از موارد، صرف تصرف فعل یا عنوان عمل می‌تواند، مانند عدل یا ظلم، بنفسه، علت تامه و «تمام موضوع» برای حکم عقلی است و ملازمه با محمول یعنی مدح و ذم دارد؛ به طوری که توقف بر اعتبار شارع ندارد. مراد از «ملازمه»، همین حسن و قبح ذاتی است که اشاعره آن را قبول ندارند و حسن و قبح را تابع اعتبار شارع می‌دانند و به حسن و قبح شرعی اعتقاد دارند (نراقی، ۱۳۲۵: ۱۴۰-۱۴۷).

رابطه بین حسن و قبح عقلی با حسن و قبح ذاتی، عموم و خصوص من وجه است، یعنی هر جا حسن و قبح ذاتی باشد، عقلی هم هست، ولی بعضی از مصادیق حسن و قبح عقلی، ذاتی نیست و آن در دو مصداق است: اول آن‌جا که خود فعل علت تامه برای حسن و قبح است و نه مقتضی یکی

از حسن و قبح، مانند اکثر مباحات؛ ولی اگر تحت عنوان دیگری مثل مضرّ بودن یا مفید بودن باشد، متصف به حسن یا قبح می‌شود؛ دوم آن‌جا که خود فعل به‌خودی‌خود عقلاً، اقتضای حسن و قبح را دارد، ولی به شرط این‌که مزاحم و مانعی نداشته باشد؛ مانند صدقی که مقتضی حسن است ولی اگر موجب قتل نفس محترمه بشود، قبیح می‌شود (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۵: ۱۰-۱۱).

لازم به یادآوری است، در میان قایلان به حسن و قبح عقلی، برخی اصل تحسین و تقبیح را برخاسته از بدیهیات عقلیه می‌شمارند (همان: ۷۲) و بعضی دیگر آن را مورد اتفاق همه عقلا می‌دانند (کاشف الغطاء، بی تا: ۸).

اینک پرسش اساسی این است که وقتی هر دو گروه اخباری و اصولی، حسن و قبح عقلی و ذاتی را می‌پذیرند، آیا از این حکم عقلی حکم شرعی و به تبع آن احکام عقلی در حوزه تفسیر قرآن نیز کشف می‌شود یا نه؟ به عبارت دیگر، وقتی عقل حکم به صغرای دلیل می‌دهد و مثلاً می‌گوید: عدل حسن دارد و فاعل آن مستحق مدح است، آیا می‌توان از این حکم عقل به حکم شرع مبتنی بر وجود حسن و استحقاق ثواب دست یافت؟

پاسخ آن است که برخی بر این عقیده‌اند با اثبات حسن و قبح عقلی، ملازمه حکم عقلی با حکم شرعی نیز ثابت می‌شود و نیازی به استدلال جداگانه نیست، ولی بیشتر عالمان شیعه این دو بحث را مستقل و جدا از یکدیگر دانسته‌اند، چنان‌که برخی حسن و قبح عقلی را قبول دارند ولی ملازمه بین حکم عقل و شرع را نمی‌پذیرند (اصفهانی حائری، ۱۴۰۶: ۳۷۷؛ فاضل تونی، ۱۴۱۲: ۵۲۳) و حکم به وجوب و حرمت ذاتی آن را قبول ندارند. محمد امین استرآبادی در این زمینه شاهد می‌آورد که بسیاری از قبایح عقلی در شریعت حرام نیستند، هم‌چنین بسیاری از محاسن عقلی در شریعت واجب نشده‌اند (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۶۱).

اخباریان بر این باورند که عقل نمی‌تواند تمام مصالح و مفاسد و علل احکام را درک کند. به طوری که ممکن است برخی از مصالح و مفاسد یک حکم را درک نکند - مانند این‌که حکمی معارض و مزاحم با برخی ملاک‌ها داشته باشد، ولی عقل آن مزاحمت‌ها و موانع را درک نکند - در نتیجه حکمش، معیار حکم شرعی نمی‌شود. به‌عنوان نمونه برخی از افعال با

این‌که حسن و مصلحت دارند، به جهت مشقت و زحمت بر امت، واجب نشده‌اند. پس چه بسا عقل حسن و قبح امری را درک کند ولی شارع درباره آن‌ها سکوت کرده و حکمی برای جلب نکرده باشد (اصفهانی حائری، ۱۴۰۶: ۳۴۰؛ کاظمی خراسانی، ۱۴۱۷: ۳/۶۰).

برخی از اصولیان ادعا کرده‌اند که اصل تحسین و تقبیح عقلی، از بدیهیات و ضروریات عقلی است و با حکم عقل به قبح و حسن چیزی باید از آن دوری یا بدان عمل کرد (اصفهانی حائری، ۱۴۰۶: ۳۴۰) و تفاوتی نمی‌کند که حکم عقل، از مستقلات عقلیه که صغرا و کبرا برای آن هر دو عقلی است) باشد و یا از غیر مستقلات عقلیه (که صغرای آن شرعی و کبرای آن عقلی است). مهم‌ترین استدلال اصولیان در برابر اخباریان حجیت ذاتی عقل است، که مقتضی یقین‌آوری به حکم شرعی است؛ زیرا دیگر دلایل اصولیان، بیانگر حسن و قبح افعال است و مفادش آن است که عقل می‌تواند برخی از مصالح و مفاسد را درک کند، اما آیا این به‌معنای درک وجوب یا حرمت آن امور و افعال توسط عقل است؟ این چیزی است که اخباریان آن را انکار کرده‌اند و می‌گویند همه کارهای قبیح حرام نیست و همه کارهای نیک، واجب نیست. در نهایت اخباریان به دلیل عدم پذیرش حکم نظری عقل در حوزه درون‌دینی، ملازمه بین حکم عقل و شرع را چه در فقه و چه در تفسیر و غیر آن، قبول ندارند (فیض کاشانی، ۱۳۹۰: ۱۲۵؛ استرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۶۱)، ولی مشهور اصولیان ملازمه را قبول دارند (طوسی، ۱۴۱۷: ۷۴۱/۲؛ کاشف الغطاء، بی‌تا: ۷).

۲. عدم مخالفت تفسیر با علوم تجربی قطعی

از آن‌جا که اخباریان حجیت ظواهر قرآن را نمی‌پذیرند و حتی در صورت پذیرش حجیت ظواهر در غیر احکام شرعی و نظری قرآن - که اخباریان معتدل به آن باور دارند - چون آنان احکام نظری عقلی را یقین‌آور و حجت نمی‌دانند، اساساً در تفاسیرشان نوبت به اجرای قاعده تفسیری فوق نمی‌رسد. از این‌رو، در تفاسیر اخباریان شاهد تطبیقات علوم تجربی با آیات قرآن در راستای تبیین بهتر و فهم عمیق‌تر آیات و کشف مصادیق جدید نیستیم، مگر در موارد محدودی که تطبیقات علوم تجربی در روایات اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده باشد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۵۰۱/۱-۵۰۲).

نتیجه

اندیشه اخباری به‌عنوان گرایشی از دانش‌های شیعی در حوزه‌های حدیث، اخلاق، تفسیر و مانند این‌ها یکی از جریان‌های فعال، با سابقه و تأثیرگذار شمرده می‌شود. پژوهش حاضر پس از بیان مقدماتی اساسی‌ترین پیش‌فرض‌ها و مبانی فکری اخباریان و به‌طور عمده با تشریح رویکرد مشهور و حداکثری اخباریان به تحقیق در خصوص کنش‌های آرای آنان بر دو قاعده تفسیری مبادرت نموده‌ایم که دستاورد آن به شرح ذیل است:

۱. باورهای اخباریان در حوزه «منبع عقل» به شرح ذیل است:

الف. ادراکات بدیهی عقلی (عقل فطری) حجیت دارد و توانایی آن درک برخی از احکام و آموزه‌های دینی قبل از ورود به شرع است.

ب. حجیت احکام قطعی عقلی (عقل فطری) ذاتی عقل نیست، بلکه محتاج به تأیید شارع است.
ج. حکم عقلی برخاسته از بدیهیات عقلی، اولیات، محسوسات و مواردی که مبادی آن‌ها نزدیک به حس باشد، یقینی است و حجیت دارد. حکم نظری عقلی، مواردی که حکم عقل و مبادی آن، دور از حس باشد و یا مقدمات حکم، ظنی باشد، قطع‌آور نیست و حجیت ندارد.
د. قیاس اولویت، قیاس منصوص العله و تنقیح مناط قطعی عقلی معتبر و قابل عمل نیستند.
هـ. هر حکم و آموزه‌ای که صرفاً بر پایه دلیل عقلی صادر شود، ظنی است و حجیت ندارد.
و. حکم نظری عقلی، در حوزه مفاهیم اعتقادی (که مشترکاً به وسیله عقل و نقل درک‌پذیر باشند) علم‌آور نیست و حجیت ندارد.

ز. در تعارض دلیل عقلی با دلیل نقلی، دلیل نقلی مقدم است.

ح. اخباریان معتدل، تفسیر آیات الاحکام را توقیفی و جناح تندروی آنان همه تفسیر قرآن را توقیفی و دور از ادراک حس و عقل می‌دانند.

۲. اخباریان به دلیل عدم پذیرش حجیت ظواهر قرآن و انکار احکام نظری عقلی، کار بست علوم تجربی در تفسیر قرآن را مجاز نمی‌دانند، مگر آن‌که در متن روایات اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده باشد.

کتابنامه

- آرمیون، محمدرضا، *نادرستی انتساب عدم پذیرش ظواهر قرآن به اخباریان*، حدیث اندیشه، شماره ۱۳، ۱۳۹۱.
- استرآبادی، محمد امین، *الفوائد المدنية*، قم، دار النشر لاهل البيت علیهم‌السلام، ۱۳۶۳.
- اسعدی، محمد و سید محمود طیب حسینی، *پژوهشی در محکم و متشابه*، قم، سازمان سمت، ۱۳۹۰.
- اصفهان‌ی حائری، محمدحسین، *الفصول الغرورية فی اصول الفقهية*، قم، دار إحياء العلوم الاسلامية، ۱۴۰۶ق.
- انصاری، مرتضی، *فرائد الاصول*، لجنة تراث الشيخ الانصاری، ۱۴۱۹ق.
- _____ *الملازمة بين حکمی العقل والشرع*، قم، دبیرخانه کنگره شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق.
- بحرانی، یوسف، *الحدائق الناضرة*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۷.
- _____ *الدرر النجفية*، بیروت، دار المصطفی لاهل‌التراث، ۱۴۲۳ق.
- بهبهانی، وحید، *الرسائل الاصولية*، قم، مؤسسه وحید بهبهانی، ۱۴۱۶ق.
- بهشتی، ابراهیم، *اخباری گری، تاریخ و عقاید*، قم، پژوهشکده علوم و معارف حدیث، ۱۳۹۰.
- جزایری، سید نعمت‌الله، *الانوار النعمانية*، تبریز، بنی‌هاشمی، ۱۳۸۲.
- _____ *منبع الحیاة*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۱ق.
- حر عاملی، محمدبن حسن، *الفوائد الطوسية*، تصحیح مهدی لازوردی و محمد درودی، قم، المطبعة العلمية، ۱۴۰۳ق.
- _____ *وسائل الشیعة*، تصحیح و تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
- _____ *اثبات الهداة*، تهران، دار الکتب الاسلامی، ۱۳۶۴.
- حسینیان، روح‌الله، *تاریخ سیاسی تشیع*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
- حکیمی، محمدرضا، *مکتب تفکیک*، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۳.

- خراسانی، محمدکاظم، *کفایة الاصول*، قم، مؤسسه آل‌البیته علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
- خویی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، قم، مرکز نشر احادیث شیعه، ۱۴۱۰ق.
- رازی نجفی اصفهانی، محمدتقی، *هدایة المسترشدين*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۳۰ق.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، *منطق تفسیر قرآن*، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، ۱۳۹۰.
- السبت، خالد بن عثمان، *قواعد التفسیر جمعا و دراسة*، مصر، دار ابن عفان، ۱۴۲۱ق.
- سبحانی، جعفر، *کلیات فی علم الرجال*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۰۸ق.
- _____ *مقدمه بر کلیات لمعات الاصول للامام الخمينی*، با عنوان اصول فقه نشوئه و ادواره، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ۱۴۲۱ق.
- سید مرتضی، علی بن حسین، *رسائل الشریف المرتضی*، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۰ق.
- شیرازی، محمد معصوم، *طرائق الحقائق*، تهران، کتابخانه سنایی، ۱۳۱۶.
- صدر، حاج سید جوادی و دیگران، *دایرة المعارف تشیع*، تهران، حکمت، ۱۳۷۵.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- _____ *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۵.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *قرآن در اسلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۴.
- طوسی، محمد بن حسن، *العمدة فی اصول الفقه*، قم، مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ق.
- عابدی شاهرودی، علی، *تشریح و نقد مسالک اخباری*، کیهان اندیشه، شماره ۳۲، ۱۳۶۹.
- العمران، فرج، *الاصوليون و اخباريون فرقة واحدة*، نجف، الحیدریة، ۱۳۷۵.
- فاضل تونی، عبدالله، *الوافیة فی اصول الفقه*، تحقیق محمدحسین رضوی کشمیری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
- فانز، قاسم و شریفی محمد، *پیدایش، سیر تطور و تداوم اخباری گری*، کتاب قیم، شماره ۱۱، سال ۴، ۱۳۹۳.
- فرج الله دزفولی، سید محمد، *فاروق الحق*، بی جا، (چاپ شده در حاشیه کتاب الحق المبین شیخ جعفر کاشف الغطاء)، بی تا.
- فیض کاشانی، محسن، *الاصول الأصلیة*، تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران،

سازمان چاپ دانشگاه، ۱۳۹۰.

_____ *تفسیر الصافی*، تهران، صدر، ۱۴۱۵ق.

قدسی، احمد، *انوار الاصول* (تقریر اباحت ناصر مکارم شیرازی)، قم، نسل جوان، ۱۴۱۶ق.
کاشف الغطاء، جعفر، *الحق المبین فی تصویب المجتهدین و تخطئة الاخباریین*، قم،
شیخ احمد شیرازی، نسخه سنگی، بی تا.

کاظمی خراسانی، محمدعلی، *فوائد الاصول*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
کرباسی‌زاده اصفهانی، علی، *حکیم متاله بیدآبادی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱.

کرکی عاملی، حسین، *هدایة الأبرار إلى طریق الأئمة الأطهار*، تصحیح رؤوف
جمال‌الدین، نجف، مطبعة نجف اشرف، ۱۳۹۶.

کلینی، محمدبن یعقوب، *کافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
لوسن بی‌تاد، *رویکردهای اخباریان شیعه به تفسیر*، ترجمه محمدحسن محمدی مظفر، آینه
پژوهش، شماره ۱۲۵، ۱۳۸۹.

مجلسی، محمدتقی، *روضه المتقین*، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق.

_____ *لوامع صاحب قرانی*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۴ق.

مجلسی، محمدباقر، *مرآة العقول*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۴.

مدیر شانه‌چی، کاظم، *درایة الحدیث*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.

مطهری، مرتضی، *ده گفتار*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸.

مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، تهران، المعارف الاسلامیه، ۱۳۸۶.

مفید، محمد بن نعمان، *تصحیح الاعتقاد*، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق.

مکی عاملی (شهید اول)، محمد، *ذکر الشیعة*، قم، مؤسسه آل‌البتیة، ۱۴۲۳ق.

میرزای قمی، ابوالقاسم، *قوانین الاصول*، تبریز، حاج احمدآقا، ۱۳۱۵.

نراقی، ملااحمد، *مناهج الاحکام و الاصول*، تهران، مطبعة میرباقر تهرانی، ۱۳۲۵.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز